

چکیده

از خودبیگانگی به عنوان یک آسیب و بحران، نه تنها هویت انسانی را هدف قرار داده و او را از مسیر کمال دور می‌کند، بلکه سلامت انسان را نیز تهدید می‌کند و موجب پریشان‌حالی‌های روانی، عدم اطمینان به آینده، پوچی، از هم پاشیدن اعتقادات، بی‌قدرتی و بحران هویت می‌شود. هدف پژوهش حاضر معناکاوی در ادراک و تجربه زیسته شرکت‌کنندگان به منظور شناسایی عوامل و نشانگرهای مرتبط با شکل‌گیری پدیده از خودبیگانگی فرهنگی است. بدین منظور با استفاده از نمونه‌گیری ملاکی، ۱۸ نفر (۵ مرد و ۱۳ زن) از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران، انتخاب شده و به صورت انفرادی و در قالب‌های ایمیلی، تلفنی و شبکه‌های مجازی تلفن همراه بنیان مورد مصاحبه قرار گرفتند. در چهاردهمین مصاحبه، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد، اما به منظور اعتباربخشی یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا هجدهمین نفر ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از راهبرد هفت‌مرحله‌ای کلازی انجام شد. به منظور افزایش «صحت»، «اتکاپذیری» و «تأییدپذیری» از ارسال تفسیرها برای شرکت‌کنندگان، تهیه شواهد و مدارک کافی در خصوص پدیده و توضیح جزئیات کافی از روند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. مرور متوالی مصاحبه‌ها به شناسایی سه مضمون «فردی»، «خانوادگی» و «اجتماعی»، ۱۴ زیرمضمون و ۴۶ نشانگر منجر شد و در نهایت عوامل شناسایی شده مورد بحث قرار گرفت. با نظر به اینکه پدیده از خودبیگانگی فرهنگی و بررسی علل آن در بین دانشجویانی که در آستانه ورود به دوره جدیدی از زندگی و محیط کار هستند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تلاش شد تا ضمن واکاوی این پدیده، راهکارهایی برای پیشگیری و یا کاهش تبعات آن ارائه گردد.

■ واژگان کلیدی

از خودبیگانگی، از خودبیگانگی فرهنگی، فشار و اجبار، مذهب گریزی، اعتماد به نفس

از خودبیگانگی فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران:

مطالعه‌ای پدیدارشناسانه

فرزانه خان‌محمدی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران
Khanmohammadi96@ut.ac.ir

کیوان صالحی

عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
Keyvansalehi@ut.ac.ir

مرضیه عالی

عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران
m.aali@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

ورود به دانشگاه و زندگی دانشجویی بخش مهمی از تجربه زیسته بسیاری از انسانها در جامعه معاصر است. (افراسیابی و خوبیاری، ۱۳۹۴: ۱) محیط دانشگاه چون هر محیط آموزشی به مثابه نهادی اجتماعی و اجتماعی کننده، نقش مهمی را در انتقال فرهنگ و درونی کردن ارزش‌های اجتماعی، تکوین شخصیت و توسعه مفهوم من اجتماعی ایفا می‌کند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۱) مهم‌ترین کارکرد دانشگاه به عنوان نهادی که نقش کلیدی در تولید و فهم دانش، توسعه فرهنگ، تمدن و حل مسائل جامعه مدرن دارد، تولید و توسعه انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته، زیبا و توانمند از افرادی است که به عنوان پیشاهنگان فرهنگ عمل می‌کنند. (جانسون، ۱۹۷۹/۱۳۷۸: ۳۳) هویت دانشجو مجموعه‌ای منحصربه‌فرد از خصوصیات او در سطوح فردی، شخصیتی و حوزه فعالیت‌هایش است؛ این مجموعه منحصربه‌فرد خصوصیات درونی، استقلال نسبی و اصالت دانشجو در سیستم تعاملات و روابط اجتماعی را مشخص می‌کند (گابراخمانوا^۱ و همکاران، ۲۰۱۶) و ایفای مطلوب نقش علمی و حرفه‌ای مستلزم برخورداری از سطح مطلوبی از هویت و درونی ساختن نقش اجتماعی است. (افراسیابی و خوبیاری، ۱۳۹۴: ۱) در روان‌شناسی به مسئله هویت انسان بسیار توجه شده است، از دید روان‌شناسان، هویت در اصل بین خود و دیگری شکل می‌گیرد و به نوعی چیستی و کیستی فرد را مطرح می‌کند. (سحاوی‌یزدی، ۱۳۸۸: ۸) در رویکرد مدرن، هویت که ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان است، دچار تغییر و تحول شده و در جریان آن دیدگاه‌های ویژه فرد، پابرجایی خود را از دست می‌دهند (استوپ^۲، ۲۰۰۹) و فرد دچار از خودبیگانگی^۳ می‌شود. برای از خودبیگانگی تعاریف متعددی ارائه شده است. سیمن^۴ (۱۹۵۹)، از خودبیگانگی را به معنای اختلاف بین انتظارات فردی و پاداش در بافت جامعه مدرن تعریف می‌کند. فروم^۵ (۱۹۵۵)، معتقد است فرد از خود بیگانه کسی است که خود را مرکز عالم به حساب نمی‌آورد و خالق و مسلط بر اعمال خود نیست. مسئله از خودبیگانگی به عنوان یک آسیب و بحران، نه تنها هویت انسانی را هدف قرار داده و او را از مسیر کمال دور

1. Gabdrakhmanova, Khodyreva & Torniyova
 2. Easthope
 3. Alienation
 4. Seeman
 5. Fromm

می‌کند، بلکه سلامت انسان را نیز تهدید می‌کند و موجب پریشان‌حالی‌های روانی، عدم اطمینان به آینده، پوچی، ازهم پاشیدن اعتقادات، بی‌قدرتی و بحران هویت می‌شود. (کلدی و صفی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۲) از خودبیگانگی مفهومی است که در آن، افراد خود را فراموش می‌کنند، و به‌نوعی قابلیت خود منهدم‌کنندگی به آنها دست می‌دهد (هیکی و همکاران، ۱۳۹۴) و با بسیاری از کژ رفتاری‌های اجتماعی مانند خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، افت تحصیلی، سرخوردگی، گسسته‌شدن پیوندهای عاطفی، انفعال، تزلزل مبانی اخلاقی، تنهایی، الکلیسم، انحرافات اجتماعی، افزایش افراد مبتلا به بیماری‌های روانی و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر ارتباط مستقیم دارد. (ستوده، ۱۳۸۷؛ صداقتی‌فرد و ابی‌زاده، ۱۳۹۰؛ کلدی و صفی‌پور، ۱۳۸۱) جامعه کنونی ما نیز دستخوش تغییرات بیشماری قرار گرفته است و به نظر می‌رسد همین تغییرات و البته سوءعملکردها، بستر را برای دگرگونی فرهنگی فراهم کرده است. فرهنگی که هیچ تناسبی با شرایط جامعه و فرهنگ ما ندارد و به نوعی می‌تواند وارداتی محسوب شود. پیامدهای نپرداختن به این موضوع می‌تواند در سال‌های نه‌چندان دور، آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی داشته باشد و انتظاری که از استعداد و توانایی بالقوه هر کدام از این دانشجویان داریم، به‌منصه ظهور نرسد. وجود برخی از نشانه‌ها و شواهد میدانی بیانگر این است که یکی از این آسیب‌ها می‌تواند افت تحصیلی باشد. بر اساس یافته‌های جولایی و همکاران (۱۳۸۵)، افت تحصیلی دانشجویان، نه تنها یک مشکل فردی؛ بلکه یک معضل اجتماعی است که عواقب ناشی از آن گریبان‌گیر جامعه نیز خواهد شد. همچنین پتريدس و همکاران^۱ (۲۰۰۵) معتقدند، دانش‌آموختگان ناکارآمد می‌توانند مضرات و خطرات فراوانی برای جامعه داشته باشند. از دیگر پیامدهای احتمالی می‌توان به عدم وجود استقلال فکری و فرهنگی و آمادگی برای پذیرش اوامر بیگانگان و در نهایت خودباختگی ملی اشاره کرد. مشاهده آمارها و شواهد افزایش کجروی‌های فرهنگی در میان جوانان، دال بر گسترش و شکل‌گیری رفتارهای غیرمقبول و ناسازگار با هنجارهای رسمی است. (شمس، به‌نقل از افضل‌ی و همکاران، ۱۳۹۸)

بیگانگی فرهنگی یکی از آسیب‌های عصر حاضر است که به‌دنبال آن می‌تواند افسردگی، اضطراب، فقدان آرامش، آشفتگی روانی و بسیاری از پیامدهای دیگر در فرد ظاهر شود و توان حرکت را از فرد بگیرد. بنابراین، از آنجا که دانشجویان به عنوان قشری از جامعه

که سرمایه و زیربنای آینده کشور محسوب می‌شوند و محتمل است بیش از سایر افراد به این پدیده مبتلا شوند، بر آن شدیم تا با معناکاوی در شرکت‌کنندگان، عوامل مرتبط با شکل‌گیری پدیده از خودبیگانگی فرهنگی در بین دانشجویان را مورد شناسایی و بازنمایی قرار دهیم.

به لحاظ نظری، اجرای این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای را برای آشنایی متولیان فرهنگی با یکی از مخرب‌ترین، مهم‌ترین و متداول‌ترین بحران‌های اجتماعی - فرهنگی عصر حاضر و همچنین شناخت دلایل و پیدا کردن راهکارهایی برای کاهش یا تعدیل اثرات پدیده از خودبیگانگی فرهنگی در میان دانشجویان، ارتقاء دانش خانواده‌ها و کلیه کسانی که به نحوی در ارتباط با آنان هستند و نقش مهمی در زندگی آنان دارند و در نهایت جلوگیری از افت تحصیلی دانشجویان، اثربخش شدن آموزش‌های صورت گرفته، افزایش کیفیت علمی و عملی دانشگاه‌ها و شناخت و آماده‌سازی دانشجویان به عنوان نیروی انسانی متخصص، فراهم کند.

اما به لحاظ عملی، می‌توان بر اساس شناخت به‌دست‌آمده، مشاوره‌های کارآمد و مناسب‌تری در دانشگاه‌ها ارائه کرد و در تنظیم برنامه‌های فرهنگی با در نظر گرفتن زوایای مختلف این پدیده، برنامه‌های واقع‌بینانه‌تری را پیشنهاد نمود. در کتاب‌های معارف و دروس عمومی در تمامی سطوح تحصیلی، می‌توانیم زمینه جلوگیری و تعمیق این پدیده را فراهم کنیم. نیز مدرسان می‌توانند با در نظر گرفتن این مسئله، در ارائه راهنمایی در کلاس درس دانشجویان دقیق‌تر عمل کنند و نهادهایی همچون صدا و سیما ضمن آگاهی بخشی نسبت به این پدیده، با ساخت برنامه‌های فرهنگی - آموزشی از بسط و گسترش این معضل جلوگیری کنند.

پیشینه پژوهش و چارچوب مفهومی

اندیشمندان بسیاری از دیرباز در این حوزه به پژوهش پرداخته‌اند. برخی تاریخچه بیگانگی را مربوط به عهد عتیق می‌دانند اما عده‌ای دیگر معتقدند اولین بار هگل^۱ این موضوع را به صورت فلسفی و دقیق مطرح نمود. در تفسیر هگل از مفهوم بیگانگی، نوعی روایت اومانیستی^۲ از نسبت انسان و خدا دیده می‌شود که در چارچوب آن و بر اساس تلقی

1. Hegel

2. Humanism

اومانیسم یک شیوه فکری و عملی است که شخصیت انسان و شکوفایی کامل او را بر همه چیز

هگل، خدا در یک سیر به اصطلاح تکاملی، به انسان می‌رسد. (بیرامی، ۱۳۹۱) در واقع او انسان و خدا را در یک مرتبه قرار می‌دهد و حتی خداوند را مخلوق انسان می‌داند. خدای هگل، خدای بیرون از این جهان نیست و او خدا را به عنوان علت نخستین نمی‌شناسد. (مطهری، ۱۳۷۰) این فیلسوف آلمانی بحث انسانی‌بودن دین را مطرح نمود و آن را به عنوان یکی از عوامل بیگانگی شناخت. هگل با رد عقیده واقع‌گرایان، چنین استدلال می‌کرد که در «از خودبیگانگی»، روح نسبت به خود بیرون‌پنداری دارد. این بیگانگی زمانی رخت برمی‌بندد که مردم به این خودآگاهی برسند که آنها موجوداتی متفکرند و واقعیت، جنبه‌ای از این خودآگاهی است؛ اینکه اساساً «واقعیت عینی» مثل فرهنگ و محیط انسانی، اضافه‌های روح‌اند. پس از هگل، مارکس^۱ که از پیروان مکتب وی بود با بیان اینکه دین و آموزه‌های دینی یکی از موانعی است که در مسیر خودشکوفایی کامل انسان قرار دارد و عامل از خودبیگانگی او می‌شود، نظریات جسورانه ضددینی خود را اظهار کرد. او دین را به شکل ابزاری برای مهار کارگران توسط جامعه سرمایه‌داری می‌دید و راه نجات انسان‌ها از، «از خودبیگانگی» را مقابله با دین و از بین بردن دین می‌دانست. در اصل هدف مارکس انتقاد از بیگانگی نبود، بلکه هدف اصلی او رفع سرگردانی انسان، برطرف کردن بیگانگی آنها و بازگشت آدمی به خودش بود. مارکس معتقد بود در طول تاریخ، فهم انسان از طبیعت و جامعه رشد می‌کند و شیوه‌های تولید پیچیده‌تر می‌شود و با این رشد انسان به آگاهی و توانایی خلق جامعه به‌مثابه وظیفه‌ای دسته‌جمعی دست می‌یابد. (جوادی، ۱۳۹۱: ۷۷) فوئرباخ جزء گروه هگلیان جوان بود و سعی می‌کرد گفته‌های خود را با اقتباس از هگل بیان کند. او که یک فیلسوف ماتریالیست^۲ بود، دین را عامل بزرگ از خودبیگانگی انسان می‌دانست. او در قرن نوزدهم نهضتی ضد دینی تشکیل داد. فوئرباخ فلسفه هگل را تجلی عقل‌گرایانه مسیحیت می‌دانست و اعتقاد داشت که آنچه هگل درباره‌ی آگاهی انسان از خدا و صفات او می‌گوید، در حقیقت بازتاب اندیشه‌های

مقدم می‌داند. به غیر از انسان‌مداری که هسته اصلی او مانیسیم است، مولفه‌های دیگری مثل اعتقاد به عقل، شک‌گرایی و روش عملی به‌عنوان ابزار کشف حقیقت، تأکید بر عقل و اختیار به عنوان ابعاد بنیادین وجود انسان، بنا نهادن جامعه بر مبنای خودمختاری و برابری اخلاقی، اعتقاد به جامعه باز و تکثرگرا و تأکید بر دموکراسی در این شیوه تفکر وجود دارد.

1. Marx
2. Materialist

دیدگاهی است که هر آنچه در هستی وجود دارد را ماده و انرژی می‌داند و همه پدیده‌ها از جمله آگاهی را نتیجه برهم کنش مادی می‌داند.

انسان در مورد خود است و «خدا» فقط در اندیشه انسان یافت می‌شود. او ماهیت انسان را امری انتزاعی می‌دید و همچنین معتقد بود آدمی هنگامی از بیگانگی بیرون می‌آید که از پرستش موجودی خیالی و بیگانه که آن را برتر می‌داند، دست بکشد.

در میان اندیشمندان مسلمان، مرتضی مطهری، محمدتقی جعفری و علی شریعتی، بیگانگی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. مرتضی مطهری، اندیشمند برجسته ایرانی، انسان را دارای نفس واحدی می‌داند، که به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول مرتبه دانی یا حیوانی یا ناخود است. ایشان معتقد است این مرتبه از نفس، بعد حیوانی انسان را شکل می‌دهد و با سایر حیوانات مشترک است. کارهایی مثل خوردن، نوشیدن، ارضای غرایز مربوط به این مرتبه از نفس است. اما مرتبه‌عالی که همان مرتبه انسانی و من‌اصیل است، تشکیل‌دهنده حقیقت و انسانیت انسان است. کارهایی مثل فکر کردن، به یاد خدا بودن، تقدم دیگران بر خود همگی از این مرتبه ناشی می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۶) از آنجا که انسان موجودی مختار است، ممکن است هر کدام از ابعاد نفس را برگزیند. زمانی که فرد به واسطه عوامل مختلفی مانند نسیان، غفلت، سرگرم شدن به عوامل مختلفی مانند لهو و لعب، مرتبه عالی خود را فراموش کند و به مرتبه حیوانی روی آورد، از خود یا بعد انسانی بیگانه شده و بعد حیوانی بر او چیره می‌شود، در این حالت فرد دچار از خودبیگانگی می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۲)

علامه جعفری علاوه بر حیات عادی انسان، که فقط اسیر خواسته‌های خود است و لذا ابعاد مثبت وجود نادیده گرفته می‌شود، حیات دیگری به نام «حیات معقول» را برای آدمی در نظر می‌گیرد. حیات معقول عبارت است از حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی در اختیار، در مسیر هدف‌های تکاملی تنظیم می‌کند. به اعتقاد ایشان آدمی ممکن است به جای قدم نهادن در مسیر حیات معقول، خود یا بعضی از عناصر خود را از دست بدهد و از خودبیگانه شود. از جمله افرادی که در بین اندیشمندان داخلی توجه خاصی به موضوع از خودبیگانگی (الیناسیون) داشته علی شریعتی است. شریعتی در کتاب «انسان بی‌خود» معتقد است آنچه که با عنوان «از خودبیگانگی» مطرح می‌شود، همان الیناسیون و الینه شدن انسان است. از نظر وی در «از خودبیگانگی» انسان «دیگری» را «خود» حس می‌کند و آگاهی نسبت به خود را از دست می‌دهد و دچار نوعی خودآگاهی کاذب می‌شود. انسان الینه‌شده هدفش این است که خود را شبیه به دیگری کند تا احساس نکند که وابسته

به یک نژاد و وضع و مذهب دیگر است. (شریعتی، ۱۳۶۱) او هر آن چیزی که انسان را از ویژگی‌های انسانی‌اش دور کند، عامل الیناسیون می‌داند و معتقد است مردمان دنیای سوم در دوره معاصر در طی دوره الیناسیون، شخصیت فرهنگی خویش را از دست داده و دچار یک نوع آگاهی کاذب شده‌اند. (روشن، ۲:۱۳۸۶) وی معتقد است انسان از خود بیگانه دارای آگاهی اجتماعی نیست، بلکه جایگاه اجتماعی و تاریخی و هویت انسانی خویش را آن‌طور که دیگران توصیف کرده‌اند، درمی‌یابد. (منوچهری، ۱۳۷۶)

در لسان «قرآن»، از خودبیگانگی حالتی است که انسان خود حقیقی‌اش را از دست می‌دهد و خود کاذب یا حیوانی جایگزین آن می‌شود. در قرآن مجید بارها نسبت به غفلت از خود و سرسپردگی انسان به غیر خدا هشدار داده شده و از بت‌پرستی، پیروی از شیطان و هوای نفس و تقلید کورکورانه از نیاکان و بزرگان نکوهش شده‌است. (مطهری، ۱۳۵۳) خداوند در سوره زمر، مثلی زده است که بیانگر برهم‌خوردن تعادل روانی انسان از خودبیگانگی‌های است که موجودات متعدد و ناسازگاری به عنوان «غیر» در وجود او رخنه کرده و او را به جایی که تعلق به آن ندارد، سوق می‌دهند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا...» (۳۹: ۲۹) «خداوند مثلی زده‌است: مردی را که چند بدخو و ناسازگار در او شریک باشند و مردی که تنها تسلیم یک نفر است، آیا این دو یکسان‌اند؟»

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌های انجام شده بر روی دانشجویان، در زمینه بیگانگی اجتماعی بوده و هیچ کدام از آنها منحصرأ از خودبیگانگی فرهنگی را مد نظر قرار نداده‌اند. پژوهشگران داخلی بیگانگی اجتماعی و فرهنگی را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهشگرانی چون توفیق‌یان فر و حسینی (۱۳۹۱)؛ ابراهیمی‌لویه و همکاران (۱۳۹۳)؛ وثوقی و ساری (۱۳۹۲)؛ میرزایی (۱۳۹۶)؛ کلدی و صفی‌پور (۱۳۸۱)، احمدی (۱۳۹۵)؛ نوری (۱۳۹۱)؛ گرانمایه‌پور (۱۳۹۳)؛ کوهی و فریادی (۱۳۹۷)؛ بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰) و سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، به سنجش عوامل زمینه‌ساز و طبقه‌بندی میزان بروز بیگانگی پرداختند. پژوهشگرانی دیگر چون فولادیان (۱۳۹۴)؛ ادهمی (۱۳۹۷) و ابدالی (۱۳۹۰)، با در نظر گرفتن ابعاد بیگانگی نظریه سیمن و برخی نظریه‌های دیگر در حوزه بیگانگی مانند سرمایه فرهنگی و جامعه‌شناسی دین، به پژوهش پرداخته‌اند و برخی از آنها میزان بیگانگی را در سطوح مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. زکی (۱۳۸۸) و زکی‌خانی (۱۳۸۹)، در کنار عوامل زمینه‌ساز بیگانگی، اشکال آن

را نیز مورد سنجش قرار داده اند و جهانگیری و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی پیامدهای حاصل از این پدیده پرداخته‌اند. مطالعات خارجی صورت گرفته بر روی دانشجویان در زمینه بیگانگی اجتماعی ضمن اندازه‌گیری میزان بیگانگی و عوامل زمینه‌ساز، راه‌کارها را نیز مورد بررسی قرار دادند. علمی^۱ (۲۰۱۹)، فایسال و سراگی^۲ (۲۰۱۸)، حیدرخانی و همکاران (۲۰۱۳) از جمله پژوهشگرانی هستند که به بررسی این پدیده از زاویه اجتماعی و در میان دانشجویان پرداخته‌اند.

با توجه به تفاوت‌های فلسفی- پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه‌ها، از چارچوب مفهومی برای استخراج سوالات تحقیق استفاده می‌شود. (مکسول^۳، ۲۰۰۵؛ ریتچ و لوویس^۴، ۲۰۰۳: ۴۹) چارچوب مفهومی در پژوهش حاضر، تفسیرگرایی اجتماعی است. بر اساس دیدگاه تفسیرگرایی، واقعیت، مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. (بازرگان، ۱۳۸۴) در رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی باور بر این است که، با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان و سیال بودن واقعیت‌های اجتماعی، نمی‌توان مسیر و روش خاصی برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آنها پیشنهاد کرد. (دنزین و لینکلن^۵، ۲۰۱۱؛ نیومن^۶، ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکلن^۷، ۲۰۰۵؛ گلیزر^۸، ۲۰۰۱) در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه، معنا و زوایای مختلف از خودبیگانگی فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و روشی پدیدارشناسانه، ضمن شناسایی عوامل مرتبط با از خودبیگانگی فرهنگی دانشگاه‌های شهر تهران، زمینه لازم برای مشارکت در ساختمان دانش مفهومی و نظری را مبتنی بر معانی‌ای که تجارب زندگی برای مصاحبه‌شوندگان ایجاد کرده (دیکوبلوم و کرابتری^۹، ۲۰۰۶) فراهم آورده‌است. هدف از پژوهش کیفی پدیدارشناسی مطالعه ماهیت‌ها است و با این روش به دنبال یافتن تعاریفی

1. Elmi
2. Faisal & Saragih
3. Maxwell
4. Ritchie & Lewise
5. Denzin & Lincoln
6. Neuman
7. Guba & Lincoln
8. Glazer
9. Diccico-Bloom & Crabtree

از ماهیت‌ها مانند ماهیت ادراک یا ماهیت هوشیاری است. (مرلو پنتی^۱، ۱۹۹۶) انتخاب مشارکت‌کنندگان به شیوه هدفمند و حجم آن مبتنی بر سطح اشباع نظری سوال‌های تحقیق (بازرگان، ۱۳۹۱) به انجام رسیده است. میدان پژوهش، دانشگاه‌های شهر تهران است که دانشجویان آنها در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و مبتنی بر روش نمونه‌گیری ملاکی^۲ انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. در نمونه‌گیری ملاکی، تمام افراد یک مجموعه که یک ملاک خاص را داشته باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. (تدلی و تشری، ۲۰۰۹) ملاک‌های انتخاب شامل: دانشجوی دانشگاه‌های شهر تهران بودن، داشتن تجربه از خودبیطی‌گانی فرهنگی (در خود و یا اطرافیان) و علاقه به حضور در پژوهش حاضر بود. گردآوری داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به این گونه بود که ابتدا شیوه‌نامه مصاحبه تدوین شد و سپس با شرکت‌کنندگان به گفت‌وگو پرداخته شد. سوال‌های مصاحبه به صورت باز پاسخ، مبتنی بر بررسی تحقیقات پیشین و سوال پژوهش تنظیم شد. سپس دو مصاحبه به صورت آزمایشی برگزار شد تا ابهامات احتمالی در سوال‌ها شناسایی و رفع شود. با توجه به شرایط موجود و دشواری انجام مصاحبه‌ها به صورت حضوری، برای برگزاری مصاحبه، از شبکه‌های اجتماعی موبایل‌بنیان، مصاحبه ایمیلی و تلفنی استفاده شد. با انجام ۱۴ مصاحبه، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد، اما به منظور اعتباربخشی به یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا هجدهمین نفر ادامه یافت. مشخصات افراد شرکت‌کننده در جدول ۱ آمده است. به منظور رعایت اخلاق در پژوهش، قبل از انجام مصاحبه با شرکت‌کنندگان در رابطه با هدف پژوهش و محرمانه بودن هویت آنان آگاهی‌های لازم داده شد و همه افراد با رضایت کامل در پژوهش شرکت کردند.

۱۰۱

1. Merleau-Ponty
2. Criterion sampling

جدول ۱. مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش

کد	نوع مصاحبه	سن	جنس	تحصیلات	وضعیت تاهل	رشته	دانشگاه	شغل
۱	شبکه‌های اجتماعی	۲۴	زن	کارشناسی	مجرد	علوم تربیتی	علامه طباطبایی	دانشجو
۲	شبکه‌های اجتماعی	۲۹	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	منابع طبیعی	تهران	کارمند
۳	تلفنی	۲۵	مرد	کارشناسی ارشد	مجرد	برق قدرت	آزاد اسلامی	دانشجو
۴	شبکه‌های اجتماعی	۲۵	زن	کارشناسی ارشد	متاهل	علوم تربیتی	تهران	معلم
۵	تلفنی	۲۵	زن	کارشناسی ارشد	متاهل	معماری	آزاد اسلامی	دانشجو
۶	شبکه‌های اجتماعی	۲۳	مرد	کارشناسی	مجرد	معماری	علم و صنعت	دانشجو
۷	ایمیلی	۲۹	زن	کارشناسی	مجرد	گیاه‌شناسی	تهران	معلم
۸	شبکه‌های اجتماعی	۲۵	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	معماری	آزاد اسلامی	دانشجو
۹	تلفنی	۲۲	زن	کارشناسی	متاهل	معماری	آزاد اسلامی	دانشجو
۱۰	شبکه‌های اجتماعی	۲۴	مرد	کارشناسی	مجرد	گرافیک	آزاد اسلامی	دانشجو

کد	نوع مصاحبه	سن	جنس	تحصیلات	وضعیت تاهل	رشته	دانشگاه	شغل
۱۱	شبکه‌های اجتماعی	۲۹	مرد	کارشناسی ارشد	مجرد	علوم تربیتی	تهران	دانشجو
۱۲	شبکه‌های اجتماعی	۲۸	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	علوم تربیتی	تهران	دانشجو
۱۳	ایمیلی	۲۴	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	علوم تربیتی	تهران	دانشجو
۱۴	شبکه‌های اجتماعی	۲۵	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	علوم تربیتی	تهران	دانشجو
۱۵	شبکه‌های اجتماعی	۲۵	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	علوم تربیتی	تهران	دانشجو
۱۶	شبکه‌های اجتماعی	۲۹	زن	دکتری	متاهل	علوم تربیتی	تهران	دانشجو
۱۷	ایمیلی	۴۱	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	علوم تربیتی	تهران	معلم
۱۸	شبکه‌های اجتماعی	۲۹	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	علوم تربیتی	تهران	دانشجو

۱۰۳

به‌منظور تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای گلایزی^۱ استفاده شد.

پرداختن به مباحث باورپذیری^۲ و قابلیت اطمینان^۳، لازم نیست با جنبه‌های خلاقانه تحلیل کیفی مغایر باشد. (پاتون^۴، ۱۹۹۹:۱۱۸۹) محقق کیفی موظف است در گزارش، جزئیات کافی از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها در اختیار دیگران قرار دهد تا به آنها اجازه دهد کیفیت محصول را قضاوت کنند. (پاتون، ۱۹۹۹: ۱۱۹۱) در این پژوهش از

1. Colaizzi
2. Credibility
3. trustworthability
4. Patton

ملاک‌های صحت، اتکاپذیری^۱ و تأییدپذیری^۲ برای ارزیابی استفاده کردیم. صحت داده‌ها بیشتر به غنای داده‌ها و توانایی تحلیل پژوهشگر بستگی دارد. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹) صحت به وسعت تأیید تفسیر پژوهشگر توسط افراد دیگر اشاره دارد. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹) به منظور افزایش صحت داده‌ها تفسیرهای حاصل از مصاحبه‌ها را برای شرکت‌کنندگان ارسال کردیم و مورد تأیید آنها قرار گرفت. به منظور ارزشیابی اتکاپذیری سعی کردیم تا با تهیه شواهد و مدارک کافی در خصوص پدیده مورد مطالعه، روبه‌ها، زمینه و شرایط پژوهش را توصیف کنیم. تأییدپذیری درجه‌ای است که نتایج می‌تواند مورد تأیید قرار گیرد. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹) بدین منظور، سعی کردیم تا با توضیح جزئیات کافی از روند جمع‌آوری تحلیل داده‌ها، تأییدپذیری یافته‌ها را تأمین کنیم.

۱۰۴

یافته‌های پژوهش

در این بخش در پی پاسخ به این سوال هستیم که چه عواملی در شکل‌گیری پدیده از خودبیبگانگی فرهنگی در دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران نقش دارد و سعی کردیم با استفاده از تجربیات شرکت‌کنندگان و با نگاهی عمیق علل شکل‌گیری این پدیده را بررسی کنیم.

در این پژوهش پس از انجام ۱۸ مصاحبه با دانشجویان دانشگاه‌های مختلف در سطح شهر تهران و خواندن این مصاحبه‌ها در دفعات متعدد در نهایت ۱۴ زیرمضمون شناسایی شدند که در ۳ مضمون «فردی»، «اجتماعی» و «خانوادگی» جای گرفتند. در ادامه بخشی از مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان و جملات مهم استخراج شده از آنها در جدول ۲ آورده شده است:

-
1. Dependability
 2. Confirmability

جدول ۲: نمونه‌ای از رونوشت مصاحبه‌ها و استخراج جملات مهم

جملات مهم	خلاصه‌ای از داده‌های رونوشت شده	مشارکت‌کنندگان
<p>اینکه آدم احساس خفقان کنه - تو خانواده خودت نتونی حرف بزنی - خشم درون تو همچنان وجود داره - اون چیزی رو که توی خانواده باید یاد می‌گرفتی یاد نگرفتی - تحجر و اجبار الکی و بی‌پایه اساس - اجبار به یه کاری میکنن بدون اینکه توجیه کنن - آدم مذهب زده میکنن - احساس می‌کنی هیچ کاره‌ای و همه چیز داره بهت تحمیل می‌شه - برخورد یه بزرگ‌تر یا یه استاد با دانشجو - قشر تحصیل‌کرده همیشه دنبال اینه ببینه چرا</p>	<p>در درجه اول اینکه اون آدم احساس خفقان کنه، احساس آزادی بیان نداشته باشه. احساس آزادی بیان نه از لحاظ سیاسی و اینا، مثلاً اینکه تو خانواده خودت نتونی حرف بزنی، خشم درون تو همچنان وجود داره، بعد می‌ای دانشگاه میبینی بازم نمیشه، هی می‌ای تو جوامع بزرگ‌تر می‌بینی بازم نمیشه یعنی منظورم اون چیزی رو که توی خانواده باید یاد می‌گرفتی یاد نگرفتی. تحجر و اجبار الکی و بی‌پایه باعث میشه از همه چیزای دور و اطرافت بدت بیاد. مثلاً آدم رو اجبار به یه کاری می‌کنن بدون اینکه توجیه کنن. میان آدم مذهب زده میکنن که دیگه نتونی هیچی بگی. یجوری احساس می‌کنی هیچ کاره‌ای و همه چیز داره بهت تحمیل می‌شه. یا حتی برخورد یه بزرگ‌تر یا یه استاد با دانشجو، باعث تنفر از درس و یا حتی تنفر از یه دوره زندگی می‌شه. مثلاً وقتی یه استاد با یه همکار بیان درستی نداره و نمی‌دونه چه جوری ارتباط برقرار کنه. قشر تحصیل‌کرده همیشه دنبال اینه ببینه چرا یه چیزی بهش تحمیل می‌شه.</p>	<p>پانزدهم</p>
<p>انگار تو محدودیت شدید بود - از یه شهرستان کوچیک وارد یه شهر پر زرق و برق مثل تهران شده بود - فکر می‌کرد اگه شبیه بقیه نباشه انگشت‌نما میشه</p>	<p>تا پدرش زنده بود، انگار تو محدودیت شدید بود. به محض اینکه پدرش فوت کرد، تغییرات شدیدی توی این ایجاد شد و البته جرقه‌اش به نظرم توی دانشگاه و فضای خوابگاه خورد. خب از یه شهرستان کوچیک وارد یه شهر پر زرق و برق مثل تهران شده بود. همه چیز جذاب به نظر میومد براش. توی خیابونا می‌دید که خیلی چیزا قبحش ریخته، توی خوابگاه هم که روابطی که بچه‌های دیگه داشتن اینو ترغیب می‌کرد و شاید فکر می‌کرد اگه شبیه بقیه نباشه انگشت‌نما میشه.</p>	<p>هجدهم</p>

در قسمت بعدی، با توجه به جملات مهمی که از مصاحبه‌ها استخراج شده بود، کدگذاری‌های اولیه را انجام دادیم. در جدول ۳ نمونه‌ای از کدگذاری‌ها آورده شده است:
جدول ۳: معانی حاصل از جملات مهم

مشارکت کنندگان	جملات استخراج شده	معانی
پانزدهم	- اینکه آدم احساس خفقان کنه - تو خانواده خودت نتونی حرف بزنی - خشم درون تو همچنان وجود داره - اون چیزی رو که توی خانواده باید یاد می‌گرفتی یادنگرفتی - تحجر و اجبار الکی و بی پایه - اجبار به یه کاری میکنن بدون اینکه توجیه کنن - آدم مذهب زده می‌کنن - احساس می‌کنی هیچ کاره‌ای و همه چیز داره بهت تحمیل می‌شه - برخورد به بزرگ‌تر یا یه استاد با دانشجو - قشر تحصیل کرده همیشه دنبال اینه ببینه چرا	- قرار گرفتن در فشار و محدودیت - فقدان فضای گفت و گو - احساسات درونی سرکوب شده - دانش اندک خانواده - تعصبات مذهبی - فشار و اجبار - مذهب‌گریزی - فقدان یا کمبود اعتماد به نفس - نوع تعامل بین اساتید و دانشجویان - افزایش دانش افراد
هجدهم	- انگار تو محدودیت شدید بود - از یه شهرستان کوچیک وارد یه شهر پر زرق و برق مثل تهران شده بود - فکر می‌کرد اگه شبیه بقیه نباشه انگشت‌نما میشه	- فشار و اجبار خانواده - ورود به کلانشهرهایی چون تهران - تقلید و سعی برای شبیه شدن به دیگران

۱۰۶

جدول‌های ۲ و ۳ نمونه‌ای از فرموله کردن معانی بر روی بخشی از مصاحبه‌هاست که به شناسایی نشانه‌گرهای زیر انجامید:

جدول ۴: نشانه‌گرهای شناسایی شده

نشانه‌گرهای استخراج شده از قسمتی از مصاحبه‌ها	
قرار گرفتن در فشار و محدودیت	نوع تعامل بین اساتید و دانشجویان
فقدان فضای گفت و گو	افزایش دانش افراد
احساسات درونی سرکوب شده	فشار و اجبار خانواده
دانش اندک خانواده	ورود به کلانشهرهایی چون تهران
تعصبات مذهبی	تقلید و سعی برای شبیه شدن به دیگران
فشار و اجبار	فقدان یا کمبود اعتماد به نفس
-	مذهب‌گریزی

در جدول ۵ نشانگرها و زیرمضمون‌ها را با توجه به مضمونی که در آن قرار گرفته‌اند، نشان داده‌ایم:

تحلیل عمیق روایت‌های شرکت‌کنندگان به استخراج سه مضمون و چهارده زیرمضمون شامل ۱. «فردی» با چهار زیرمضمون «انباشت احساسات درونی منفی، ضعف در ارتباطات، طرز فکر منفی و الگوبرداری غلط»، ۲. «خانوادگی» با سه زیرمضمون «روابط عاطفی نادرست، رفتار سلطه‌گرانه و مشکلات دانشی» و ۳. «اجتماعی» با هفت زیرمضمون «اعتقادی، تغییر محل زندگی، تأثیرپذیری از اطرافیان، گسترش علم و فناوری، تأثیرات محیط دانشگاه، عوامل فرهنگی و نابرابری اجتماعی» انجامید که در ادامه مضمون، زیرمضمون و نشانگرهای حاصل از تحلیل داده‌ها در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵: مضمون، زیرمضمون و نشانگرهای حاصل از تحلیل داده‌ها

۱۰۷

مضمون	زیرمضمون	نشانگرها
فردی	انباشت احساسات درونی منفی	<ul style="list-style-type: none"> - احساسات درونی سرکوب شده مثل خشم و غرور - قرار گرفتن تحت فشار و محدودیت توسط خانواده، جامعه یا اطرافیان - تنفر فرد از نحوه عملکرد خانواده
	ضعف در ارتباطات	<ul style="list-style-type: none"> - ناتوانی در برقراری ارتباط صحیح با اطرافیان - افزایش ارتباطات فردی با افراد مختلف و ناشناس
	طرز فکر منفی	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان یا کمبود اعتماد به نفس - شناخت ناکافی از خود - فراموشی اصالت خود - جوانی و کم تجربه بودن - تحمیل تصمیمات دیگران بر فرد و احساس ناکارآمد بودن - تصورات فردی مبنی بر آزاردهنده بودن فرهنگ و سنن خود و سطح بالا بودن سنن بیگانه
	الگوبرداری غلط	<ul style="list-style-type: none"> - انتخاب الگوهای نادرست - تقلید کورکورانه یا کپی برداری

مضمون	زیرمضمون	نشانه‌ها
خانوادگی	روابط عاطفی نادرست	<ul style="list-style-type: none"> - روابط نادرست و غیردوستانه در جمع خانواده(کمبود محبت) - روابط سرد و طلاق عاطفی والدین - کم‌توجهی به خواسته‌ها و گفته‌های فرزندان - فقدان احساس شادی در محیط خانواده
	رفتار سلطه‌گرانه	<ul style="list-style-type: none"> - فشار و اجبار خانواده - افراط‌گری و انعطاف‌پذیری نامناسب در خانواده
	مشکلات دانشی	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان فضای گفتگو - دانش اندک خانواده‌ها در زمینه فرزندپروری
اجتماعی	اعتقادی	<ul style="list-style-type: none"> - گسترش باورهای جدید و گروه‌ها و فرقه‌های خرافی - دین‌گریزی - سلب حق انتخاب دین و مذهب
	تغییر محل زندگی	<ul style="list-style-type: none"> - ورود از شهرهای کوچک به کلانشهرهایی چون تهران به منظور تحصیل - دور شدن از خانه برای ادامه تحصیل
	تأثیرپذیری از اطرافیان	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج اهداف انحرافی توسط فرصت‌طلبان - ترویج ضداخلاق و ضدفرهنگ توسط سلبریتی‌ها - دیدگاه منفی افراد تأثیرگذار مثل دوستان، اساتید، معلمان و دیگر افراد - ضعف اطلاعاتی و بی‌اعتقادی معلمان و اساتید در زمینه‌های فرهنگی - حضور افراد تندرو و کُندرو مثل روشنفکران غرب‌گرا و یا برخی اسلام‌گرایان افراطی - بی‌احترامی در سطح جامعه توسط برخی سازمان‌ها و تشدید وضعیت نابسامان فرد
	گسترش علم و فناوری	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش دانش افراد - حجم بالای اطلاعات در دسترس نسبت به گذشته - گسترش فضای مجازی و راه‌های ارتباطی
	تأثیرات محیط دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> - نوع دانشگاه - آزادی مطلق در فضای دانشگاه - نوع تعامل بین اساتید و دانشجویان

مضمون	زیرمضمون	نشانه‌ها
اجتماعی	عوامل فرهنگی	- کمرنگ شدن هویت ایرانی در کتب درسی و دانشگاهی - کمرنگ شدن هویت ایرانی و آداب رسوم - جذابیت سنن و فرهنگ‌های دیگر - آشنایی اندک با فرهنگ اصیل ایرانی - آموزش ناکافی در زمینه‌های فرهنگی - جدال بین سنت و مدرنیته
	نابرابری اجتماعی	- نابرابری اجتماعی در سطوح مختلف جامعه/ احساس نابرابری - بیکاری بعد از فراغت از تحصیل

۱۰۹

۱. مضمون اول: فردی

هر فردی به عنوان یک موجود اجتماعی، ویژگی‌هایی را داراست و یا سعی می‌کند آنها را در خود پرورش دهد. این ویژگی‌ها می‌تواند ذاتی و یا اکتسابی باشد و در نهایت منجر به بروز رفتارهای مختلف شود. در شناسایی مضمون فردی به ۳ زیرمضمون اشاره شد و در ادامه روایت برخی از مشارکت‌کنندگان آورده شده است. مشارکت‌کننده هشتم در این باره می‌گوید:

«یه جور لجبازی پیش میاد این بین که مثلاً یکی میاد بهش میگه فلان کارو بکن، این کارو بکن، اونجوری باش، اینجوری باش. من خودم به شخصه باشم با یه همچین چیزی مخالفت شدید می‌کنم. یه جور لجبازی پیش میاد این وسط که نمی‌خوام بذارم حرف اون آدم اجرایی بشه که بگه آهان دیدی حرف من شد! من خودم با این چیزا مخالفت شدید می‌کنم.»

مشارکت‌کننده شانزدهم در این باره می‌گوید:

«این دسته از دانشجویها به نظر من آسیب‌پذیرترین دانشجویها هستن، بخاطر اینکه خودشون نمی‌دونن چی می‌خوان از زندگی شون یا نمی‌دونن از هدفی که انتخاب کردن چی می‌خوان. هم مورد تمسخر قرار می‌گیرن و هم اینکه محبوب کسی نمی‌شن، کسی بهشون اعتمادی نداره و اینا رو بیشتر ملعبه یا بازیچه دست خودشون می‌کنن.»

۲. مضمون دوم: خانوادگی

خانواده اولین و مهم‌ترین فضایی است که یک فرد در آن قدم می‌گذارد و نحوه ارتباطات و برخورد اعضا با یکدیگر نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی جوانان دارد. مضمون خانوادگی در ۳ زیرمضمون روابط عاطفی نادرست، رفتار سلطه‌گرانه و مشکلات دانشی قرار گرفته که در ادامه نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در این باره آورده شده است. مشارکت‌کننده هشتم در این باره می‌گوید:

«ایشون که اومده بود دانشگاه یادمه خب من دختر اکی بودم معمولی می‌چرخیدم، نه خیلی از این ور بوم نه خیلی از اون ور بوم. ایشون پوشیه داشت و کسی هم باهاش صحبت نمی‌کرد و چون کلاسای معماری یه جور بود که خب مثلا آهنگ می‌داشتن بچه‌ها، این ناراحت می‌شد. منم جزء دخترای قرتی کلاس مون بودم ولی با این دوست شدم. یه کوچولو با هم صحبت کردیم دیدم خیلی دختر خوبیه ولی خب قضیه این پوشیه‌ش هم واسه من تعریف کرد که خانوادش نمی‌داشتن بیاد دانشگاه بعد رفته کربلا و نذر کرده. کم‌کم این دختر توی محیط دانشگاه با عده‌ای دوست و حالا بیرون از محیط دانشگاه با یک گروهی آشنا شد که اصلا این دختر متلاشی شد و دوستی منم با اون کلا خراب شد.»

۳. مضمون سوم: اجتماعی

در این مضمون ۷ زیرمضمون جای گرفته است که عوامل اجتماعی شناسایی شده در این پژوهش را نمایان می‌سازد. در ادامه مصاحبه‌های برخی مشارکت‌کنندگان در این رابطه آورده شده است. مشارکت‌کننده دوم در این باره می‌گوید:

«اگر ما یک نظام آموزشی خوب رو در نظر بگیریم و فقط به جای زمینه‌های تحصیلی مرتبط با علوم و ریاضی وغیره، روان‌شناسی رو از ابتدا بهشون آموزش بدیم، اینکه جامعه رو بشناسن، خودشون رو بشناسن، اطرافیان شون رو بشناسن، روش مواجهه با مشکلات بهشون آموزش داده بشه. ما توی دانشگاه درس‌هاش رو به صورت دو واحدی پاس کردیم و خیلی هم بدرد بخور نبود که بهش می‌گفتن اخلاق کاربردی و آیین زندگی. این یعنی فقط یه دو واحدی گذرونده می‌شه و می‌ره ولی اگر از ابتدای تحصیل بچه‌ها بیان باهاشون کار کنن و توی دانشگاه هم همون دو واحد

رو به صورت بهتر و جامع‌تر ارائه بدیم که واقعا مفید باشه و یه اطلاعاتی در اختیار اون دانشجو و دانش‌آموز بذاره، خیلی دید افراد فرق می‌کنه.»

مشارکت‌کننده چهارم در این باره می‌گوید:

«من جوونای زیادی رو دیدم که این اتفاق براشون رخ داده. حالا اینکه چرا؟ به نظر من اینکه نسبت به گذشته، اطلاعات خیلی بیشتری از فرهنگ‌های جوامع دیگه در اختیارشون قرار می‌گیره، حالا از طریق فضای مجازی، اینترنت. خب فرهنگ‌های مختلف رو می‌بینن و این فرهنگ‌ها براشون جذاب به نظر میاد. چرا؟ چون جدیده. هر چیز جدیدی خب اولش جذابه وقتی هم این جذابیت رو می‌بینن، پیروی کردن از فرهنگ‌های غربی یه حالت کلاس براشون محسوب می‌شه. فکر می‌کنن که مثلا اگر جشن هالووین برگزار کنن خیلی آدمای باکلاسی هستن یا مثلا جشن کریسمس برگزار کنن خیلی لاکچری به نظر میان.»

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه در جامعه ما علاوه بر اشکال کلاسیک و قدیمی بیگانگی، اشکال جدیدی نیز بروز کرده است. اشکال قدیمی بیگانگی که ناشی از مناسبات گذشته خصوصاً فقدان یا کمبود اطلاعات و آزادی‌ها است به وسیله سیمن مورد سنجش و تبیین قرار گرفت، اما اشکال جدید که ناشی از آزادی‌های ناگهانی و تنوع و گسترش رسانه‌های جمعی و ارتباطی است به نظر می‌رسد به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است.

در تمامی پدیده‌ها علت و معلول، رابطه‌ای است بین وقایع مختلف؛ نتیجه یک اتفاق یا رخداد می‌تواند علت رخدادی دیگر باشد. بنابراین این چرخه دائماً ادامه دارد، اما زمانی که علت یکی از پدیده‌ها بررسی و برطرف شود، این چرخه می‌تواند متوقف شود؛ این یک ترکیب از عمل و عکس‌العمل است.

با توجه به اینکه شناسایی عوامل تأثیرگذار در هر پدیده اجتماعی امری ضروری قلمداد می‌شود، بدون در نظر گرفتن علت هر پدیده، هر اقدامی بی‌نتیجه خواهد ماند. در پژوهش حاضر پس از تحلیل داده‌ها، سه مضمون فردی، خانوادگی و اجتماعی استخراج شد. مضمون فردی دربرگیرنده عواملی است که در خود فرد است. این مضمون شامل چهار زیرمضمون انباشت احساسات درونی منفی، ضعف در ارتباطات، طرز فکر منفی و الگوبرداری غلط است.

زیرمضمون الگوبرداری غلط، دو نشانگر انتخاب الگوهای نادرست و تقلید کورکورانه یا کپی برداری را در خود جای داده است. به نظر می‌رسد امروزه در دانشگاه‌ها و در میان دانشجویان، اصول غربی طرفداران بیشتری در مقایسه با قبل دارد و علت این امر ممکن است جذابیت زیاد فرهنگ‌های غربی و قرار گرفتن اصول و فرهنگ ایرانی اسلامی در گوشه رینگ و نادیده گرفته شدن، باشد. اگر الگوهای برجسته و قابل اعتماد برای دانشجویان وجود نداشته باشد، بی‌تردید به دنبال جایگزین می‌گردند و اصول و جایگزین‌های بیگانه همیشه در صحنه آماده است. الگوبرداری غلط در میان دانشجویان که آینده‌سازان کشورند، ممکن است آسیب‌های فردی و اجتماعی بیشماری داشته باشد. دکتر شریعتی در اثر «انسان بی‌خود» بدین گونه از نحوه رویایی افراد با فرهنگ‌های بیگانه و الگوبرداری‌های نادرست سخن می‌گوید: «در موقعی که خودم را می‌خواهم احساس کنم، فرهنگ جامعه دیگری را به نام فرهنگ خودم احساس می‌کنم و آنگاه از دردهایی می‌نالم که درد من نیست؛ از بدبینی‌هایی فریاد می‌کشم که آن بدبینی‌ها متناسب با واقعیت‌های فرهنگی، فلسفی و اجتماعی من نیست؛ آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و رنج‌هایی پیدا می‌کنم که آن آرمان‌ها، آن ایده‌آل‌ها و آن رنج‌ها در آن جامعه طبیعی است و مال آن جامعه و شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی آن جامعه است نه مال من. اما من، آن دردها و رنج‌ها و آرمان‌ها را به عنوان رنج‌ها و دردها و آرمان‌ها «خود» می‌یابم.»

زیرمضمون طرز فکر منفی نشانگرهای کمبود اعتماد به نفس، عدم شناخت خود، جوانی و کم‌تجربگی، تحمیل تصمیمات دیگران بر فرد و احساس ناکارآمد بودن، تصورات فردی مبنی بر آزاردهنده بودن فرهنگ و سنن خود و سطح بالا بودن سنن دیگر کشورها و فراموشی اصالت خود را شامل می‌شود. احساس بی‌معنایی یکی از نمودهای رفتار بیگانه‌گونه است که سیمن آن را تبیین می‌کند. در این حالت فرد احساس میکند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد، بنابراین دچار ابهام و شک و تردید می‌شود و نمی‌تواند عقیده خود را با معیارهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد (مجیدی، ۱۳۹۱: ۱۷) و حتی ممکن است موجب گوشه‌گیری و انزوا شود. کوهن معتقد است، وقتی فرد دچار احساس انزوا می‌شود، سعی دارد این احساس را از خود دور کند، بنابراین به رفتار انحرافی برای کسب لذت و شادی روی می‌آورد. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۵) تجربه ویژگی‌ای است که می‌تواند مثل یک زنگ خطر، هنگام مواجهه با خطرات افراد را مطلع کند و کمبود تجربه در دانشجویان نقطه ضعفی است که باعث

آسیب دیدن آنها می‌شود، اما بدتر از آن احساسی است که در آنها وجود دارد و نیازی به مشورت و استفاده از تجربیات دیگران نمی‌بینند. میرزایی (۱۳۹۶) و ادهمی (۱۳۹۷)، سن را به منزله یک عامل تعیین‌کننده در بروز پدیده عنوان کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که این پدیده در سنین کمتر بیشتر رخ می‌دهد، در صورتی که ابدالی (۱۳۹۰) و احمدی (۱۳۹۵)، سن را عاملی بی‌تأثیر دانسته‌اند. افکار منفی می‌تواند الگوی رفتاری فرد را شکل دهد و زمینه‌ساز عدم موفقیت در زندگی شود. دانشجویانی که از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند و مهار زندگی خود را به دست دیگران می‌سپارند، ممکن است محکوم به شکست بدون تلاش شوند و همیشه حسرت روزهای گذشته را بخورند. این ناتوانی در مدیریت زندگی می‌تواند در هر زمینه‌ای، از انتخاب‌های کوچک و سطحی تا نپذیرفتن اصول و قواعد فرهنگی جامعه را در برگیرد.

زیرمضمون ضعف در ارتباطات، دو نشانگر ناتوانی در برقراری ارتباط صحیح و افزایش ارتباطات با افراد مختلف و ناشناس را در خود جای داده است. گاهی عدم آگاهی و نداشتن تجربه در برقراری ارتباطات صحیح، ممکن است فرد را به ورطه نابودی بکشد. به نظر می‌رسد پذیرفتن هر حرفی و اعتماد کردن به اشخاص ناشناس در میان دانشجویان مخصوصاً دانشجویان جدید و جوان‌تر، می‌تواند شروعی برای ارتباطات نادرست باشد و فرد را در مسیری نامشخص قرار دهد.

آخرین زیرمضمون از مضمون فردی، انباشت احساسات درونی منفی است که شامل احساسات درونی سرکوب شده مثل خشم و غرور، قرار گرفتن تحت فشار و محدودیت توسط خانواده، جامعه و اطرافیان و تنفر از نحوه عملکرد خانواده است. احساساتی که تخلیه نمی‌شوند و روی هم انباشته می‌شوند، ممکن است آسیب‌های فیزیکی و روانی زیادی را بر فرد تحمیل کند. اینکه فرد بتواند با کسی که مورد اعتماد اوست صحبت کند و یا احساساتش را مدیریت و به صورت درست و به موقع تخلیه کند، شاید تنها در این صورت است که فرد می‌تواند نسبت به تصحیح تصمیمات اشتباه خود اقدام کند و از میزان فشاری که بر او وارد می‌شود بکاهد و از آسیب‌های بعدی که ممکن است اطرافیان و جامعه را نیز هدف قرار دهد، جلوگیری کند.

مضمون خانوادگی عواملی را شامل می‌شود که منشأ در خانواده دارد. روابط عاطفی نادرست، رفتار سلطه‌گرانه و مشکلات دانشی سه زیرمضمونی هستند که از داده‌های این پژوهش استخراج شده است. زیرمضمون روابط عاطفی نادرست نشانگرهای مقابل را

شامل شده است: روابط نادرست و غیردوستانه، روابط سرد و طلاق عاطفی والدین، عدم توجه به خواسته‌ها و گفته‌های فرزندان و فقدان احساس شادی در محیط خانواده. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی که فرد در آن قدم می‌گذارد، می‌تواند نقش مهمی در ساختن شخصیت فرد داشته باشد. زمانی که یک دانشجو در محیط دانشگاه و یا جامعه با مشکلی رو به رو می‌شود، نیاز دارد که آن را با خانواده خود در میان بگذارد و یا از تجربیات آنها استفاده کند، اما اگر فضای خانواده طوری باشد که این امکان فراهم نشود، ممکن است فرد مشکل خود را به بیرون از خانواده ببرد و با افرادی که صلاحیت ندارند در میان بگذارد. نوری (۱۳۹۱) نیز حمایت خانواده را عاملی جهت کاهش آسیب‌ها دانسته‌است. خانواده‌هایی که روابط عاطفی بین آنها سرد و مخدوش است، ممکن است بیشتر از سایرین به فرزندان خود آسیب بزنند.

زیرمضمون رفتارسلطه‌گرانه، نشانگرهای فشار و اجبار خانواده و عدم انعطاف‌پذیری خانواده را در خود جای داده‌است. همه پدر و مادرها برای تربیت صحیح و امنیت و آرامش فرزندان خود تلاش بسیار می‌کنند اما در این بین ممکن است، بدون اینکه متوجه رفتار نادرست خود باشند، به فرزندان خود آسیب بزنند. برخی از پدر و مادرها تصور می‌کنند بهترین راه برای محافظت و آموزش به فرزندان‌شان، سخت‌گیری بیش از اندازه و امر و نهی کردن‌های مکرر است، این رفتار آنان می‌تواند عاملی باشد برای بی‌کفایتی فرزندان در آینده و پذیرنده محض و «بله قربان گوی» دیگران شدن. از طرفی بعضی از این دانشجویان ممکن است از طرف دیگر بام بیفتند و به مخالفت و لجبازی با خانواده بپردازند. گفته‌های شرکت‌کننده دهم گویای مطالب فوق است: «پدرش یه آدم تحصیلکرده بود، اما با این وجود خیلی مهارش می‌کرد. انگار بهش اعتماد نداشت یا نمی‌خواست بهش اجازه بده خیلی چیزا رو ببینه یا تجربه کنه». آخرین زیرمضمون از مضمون خانوادگی، مشکلات دانشی است که دانش‌اندک خانواده‌ها در زمینه فرزندپروری و فقدان فضای گفت‌وگو را نشان می‌دهد. پدر و مادر اولین معلمان فرزندان خود هستند و اگر این معلمان از دانش کافی در زمینه فرزندپروری برخوردار نباشند، ممکن است سلامت، جسم و روان فرزند خود را به خطر بیندازند.

در مضمون اجتماعی، هفت زیرمضمون اعتقادی، تغییر محل زندگی، تأثیرپذیری از اطرافیان، گسترش علم و فناوری، تأثیرات محیط دانشگاه، عوامل فرهنگی و نابرابری اجتماعی قرار گرفته است. در زیرمضمون اعتقادی، سه نشانگر گسترش باورهای جدید

و گروه‌ها و فرقه‌های خرافی، دین‌گریزی و سلب حق انتخاب دین و مذهب قرار گرفته است. از منظر استاد مطهری در میان تمام مکتب‌های اخلاقی که ترازها و ملاک‌هایی برای اخلاق انسانی پیشنهاد کرده‌اند و از مقوله‌هایی همچون: محبت و عاطفه، عقل و اراده، وجدان اخلاقی، زیبایی و پرستش سخن گفته‌اند بهترین و عملی‌ترین و عینی‌ترین ملاک، ملاک بندگی خدا و پرستش اوست. در واقع عبادت درجه‌ای برای روح آدمی می‌گشاید و او را به عالم غیب و ملکوت آگاه می‌سازد و پیوند می‌زند. پیوند و گره خوردن به «خود ملکوتی»، ریشه همه برتری‌ها و الوایی‌ها و زیبایی‌های اخلاقی می‌شود و در واقع نقطه عطف تمامی ادیان الهی است. شاید یکی از دلایل دین‌گریزی در دانشجویان، تفاوت در گفتار و عمل بخشی از مسئولین و مبلغان دینی و ناتوانی آنان در پاسخ به سوال‌های دانشجویان (با وجود غنای سرشار دین اسلام و متناسب بودن آن با اقتضای زمان) باشد که زمینه‌ساز دزدگی و انزجار می‌شود و گاهی ممکن است باعث گرایش به سمت فرقه‌هایی شود که به‌ظاهر پاسخگوی همه مجهولات‌اند و در باطن روان و جسم افراد را تسخیر می‌کنند. فرقه‌هایی همچون سرخ‌پوستی، پائولو کوئیلو، حلقه و دیگر موارد که با توجه به گفته‌های شرکت‌کنندگان در بین جوانان افزایش یافته‌است. این فرقه‌ها با نقض آشکار وجود خداوند و مشروع دانستن اعمال غیراخلاقی سعی در آلوده کردن روان و جسم و پر کردن مغز دانشجویان با اصول منحوس خود دارند.

زیرمضمون تغییر محل زندگی، نشانگرهای ورود از شهرهای کوچک به کلانشهرهایی چون تهران و دور شدن از خانه برای ادامه تحصیل را نشان می‌دهد. جورج زیمل نمود و ظهور بیگانگی را با زندگی مردم در کلانشهرها، فردگرایی، غلبه روح عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و نهایتاً دزدگی اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده و خاطر نشان می‌سازد که در جامعه مدرن، هر فرد برای خود شخصیت خاصی را پرورش می‌دهد. (مجیدی، ۱۳۹۱: ۱۴) دور شدن از خانه و وارد شدن به کلانشهرها، هر دو از عواملی هستند که برای دانشجویان مخصوصاً دانشجویان جوان‌تر جذابیت زیادی دارد و شاید یکی از علل ادامه تحصیل در برخی افراد، جدا شدن از خانواده و به‌طور مستقل زندگی کردن باشد. اما مشکلاتی همچون تنهایی، حضور افراد فرصت‌طلب، کم‌تجربگی و زرق و برق شهرهای بزرگ و سرخوردگی ناشی از اختلاف طبقاتی که وجود دارد، ممکن است آسیب‌های اجتماعی فراوانی را به دنبال داشته باشد که یکی از آنها از خودبیگانگی فرهنگی است. کلدی و صفی‌پور (۱۳۸۱) همسو با یافته‌های این پژوهش زندگی در کلانشهرها را از عوامل

تأثیرگذار بر بیگانگی دانسته‌اند. دورکیم نیز معتقد است، رفتارهای ناآرام و نابهنجار زمانی شکل می‌گیرند که از یک سو تسلط هنجارهای جامعه بر رفتار افراد کم شود و از سوی دیگر سطح توقعات افراد در اثر شهری شدن و به اصطلاح، گم شدن افراد در جریان زندگی ماشینی در مسیری فزاینده قرار گیرد. (حقیقتیان و مرادی، ۱۳۹۳: ۱۷۴)

زیرمضمون تأثیرپذیری از اطرافیان دربرگیرنده شش نشانگر است: ترویج اهداف انحرافی توسط فرصت‌طلبان، ترویج ضداخلاق و ضدفرهنگ توسط سلبریتی‌ها، دیدگاه منفی افراد تأثیرگذار مثل دوستان و اساتید و معلمان، ضعف اطلاعاتی یا اعتقادی معلمان و استادان، حضور افراد تندرو و کُندرو مثل روشنفکران غرب‌گرا و برخی اسلام‌گرایان افراطی و بی‌احترامی در سطح جامعه توسط برخی سازمان‌ها و تشدید وضعیت نابسامان فرد. شاید یکی از مهم‌ترین عواملی که دانشجویان را به سمت از خودبیگانگی فرهنگی می‌کشاند، تأثیرات ناشی از افراد مختلف باشد. بیشتر گروه‌های تخریبی در اکثر کشورها از جمله ایران به ادعای خود به اشاعه تعالیم معنوی عرفانی مشغول‌اند که سرچشمه جوشان همه این تعالیم، در عرفان اصیل اسلامی نهفته است و می‌توان شکل‌های تکامل یافته و صحیح این تعالیم را در فرهنگ اسلامی جست و برجسته کرد و به مخاطبان مشتاق عرضه داشت. (سید محمد، ۱۳۸۶: ۱۰۹) در مقابل، رفتار نادرست برخی افراد نیز ممکن است باعث فاصله گرفتن دانشجویان از اصول و قواعد حاکم بر جامعه شود. در این میان، حضور پررنگ افراد مشهور در جامعه (سلبریتی‌ها) و سبک زندگی متفاوتی که به نمایش می‌گذارند، افراد زیادی را دلبسته می‌کند. استادان و معلمان، گروه دیگری هستند که با توجه به مقام خاص و پراهمیتی که دارند، نقش پررنگی را در حفظ هویت دانشجویان ایفا می‌کنند. افراد افراطی در گرایش‌ها و زمینه‌های مختلف نیز باعث می‌شوند تعادل و نظم زندگی دانشجویان برهم بخورد. دسته‌ای از این افراد معمولاً با اهداف خاصی، عقاید و باورهای خود را مطرح می‌کنند اما برخی دیگر بدون توجه به عواقب رفتار و گفتار خود، آسیب‌های جدی را به وجود می‌آورند.

زیرمضمون گسترش علم و فناوری، نشانگرهای افزایش دانش افراد، حجم بالای اطلاعات در دسترس نسبت به گذشته و گسترش فضاهای مجازی و راه‌های ارتباطی را دربر گرفته است. افزایش امکانات ارتباطی، در دسترس بودن رسانه‌های مختلف و برداشته شدن مرزهای جغرافیایی باعث شده اطلاعات مختلف، موثق و غیر موثق، در زمینه‌های متنوع در اختیار همه افراد قرار بگیرد. در این راستا وثوقی و ساری (۱۳۹۲)؛ ابراهیمی

و همکاران (۱۳۹۳)؛ احمدی (۱۳۹۵) و گرانمایه‌پور (۱۳۹۳) به نقش رسانه و وسایل ارتباط جمعی و تأثیری که بر روی از خودبیگانگی می‌گذارد اشاره کردند. اما نتایج پژوهش ادهمی (۱۳۹۶) با یافته‌های این پژوهش همسو نبود و او رسانه‌ها را بی‌تأثیر دانسته است. رسانه‌ها با قدرت نفوذ خارق‌العاده خود، نه تنها به راحتی از دیوارها و حصارهای سنتی می‌گذرند و وارد خانه‌های افراد می‌شوند بلکه چنان تأثیر عمیقی بر اندیشه فرد می‌گذارد که مهار زندگی خود را از دست می‌دهد و دچار بیگانگی می‌شود. اینجا تصمیم‌گیری درباره این اطلاعات وسیع، قضاوت و تأثیرپذیری از آن، با خود فرد است. اگر دانشجویان درباره نحوه بهره‌برداری و استفاده از این اطلاعات آموزش‌های لازم را ندیده باشند و آگاهی کسب نکرده باشند، ممکن است آسیب ببینند. گرانمایه‌پور (۱۳۹۳) افزایش دانش افراد و گسترش اطلاعات را عاملی برای گسترش بیگانگی دانسته است. او معتقد است بهبود تحصیلات و آموزش باعث افزایش پیچیدگی درونی افراد می‌شود؛ در صورتی که (میرزایی، ۱۳۹۶؛ توفیق‌پیان و حسینی ۱۳۹۱ و ابدالی، ۱۳۹۰) نقشی برای دانش در این زمینه قائل نبودند. نوری (۱۳۹۱) نیز معتقد است رشد شایستگی‌های علمی و آموزشی با پدیده بیگانگی رابطه معکوس دارد یعنی با افزایش دانش افراد، از میزان بیگانگی آنان کاسته می‌شود. در این زمینه ادهمی (۱۳۹۷) به بالا بودن میزان بیگانگی دانشجویان در سال اول دانشگاه اشاره کرده است.

تأثیرات محیط دانشگاه حاوی نشانگرهای نوع دانشگاه، آزادی مطلق در فضای دانشگاه و نوع تعامل بین اساتید و دانشجویان است. انواع مختلف دانشگاه‌ها، سطوح مختلفی از آزادی در فضای دانشگاه را برای دانشجویان در نظر می‌گیرند و همین امر به مرور زمان ممکن است باعث تأثیرپذیری دانشجویان از یکدیگر شود. در بعضی دانشگاه‌ها به دلیل فاصله طبقاتی، تفاوت فاحش در وضعیت مالی دانشجویان و خودنمایی و جلب توجه، نوعی سرخوردگی در طبقات ضعیف‌تر به وجود می‌آید و ممکن است برای دستیابی به موقعیت دیگران، دست به هر کاری بزنند. اساتید و نحوه تعامل و برخورد آنها با دانشجویان نیز می‌تواند باعث افزایش انگیزه و یا دلزدگی شود.

زیرمضمون عوامل فرهنگی شش نشانگر کمرنگ شدن هویت ایرانی در کتب درسی و دانشگاهی، کمرنگ شدن هویت و آداب و رسوم ایرانی، جذابیت سنن و فرهنگ‌های دیگر، آشنایی ناکافی با فرهنگ اصیل ایرانی، آموزش ناکافی در زمینه‌های فرهنگی و جدال بین سنت و مدرنیته را دربرگرفته است. به نظر می‌رسد اخیراً سنن ایرانی چه به صورت

مکتوب در کتاب‌ها، چه به صورت گفتاری و نقل سینه به سینه از والدین به فرزندان و چه از لحاظ عمل کردن به اصول آن در بین مسئولین و الگوهای جامعه، دستخوش تغییرات و بعضاً نادیده گرفته شده است. نقش آموزش و پرورش در شکل‌دهی به هویت ملی نقشی بی‌بدلیل است. این مهم همان‌طور که قبل‌تر نیز اشاره شد، از طریق کتاب‌های درسی به مخاطبان منتقل می‌شود. میزان توجه مولفان این کتاب‌ها به هویت ملی در مقام فراگیرترین لایه هویتی هر ملت، علاوه بر انعکاس دیدگاه مولفان این کتاب‌ها، نمودار آراء و افکار کلان سیاست‌گذاران فرهنگی آن کشور نیز هست. (خدایار و فتحی، ۱۳۸۷) تمام میراث فرهنگی که از تمدن کهن ایران و پیشینیان برای ما به‌جا مانده است، در بعضی اعیاد و جشن‌ها، آن هم به صورت تحریف شده و ناقص، خلاصه شده و شاید همین امر موجب خستگی، دلزدگی و دوری دانشجویان و جوانان از اصل و ریشه خود شده است. آخرین زیرمضمون از مضمون اجتماعی، نابرابری اجتماعی است که بیکاری بعد از فراغت از تحصیل و نابرابری اجتماعی در سطوح مختلف جامعه را شامل شده است. بیکاری عامل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. در پدیده از خودبیگانگی فرهنگی نیز با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، «بیکاری» مورد توجه قرار گرفته است و محتمل است زمینه‌ساز بروز مشکلاتی از قبیل انزوا، افسردگی، مشکلات اقتصادی، ناتوان بودن در تشکیل خانواده و افزایش میزان جرم و جنایت شود. فردی که با مشکلات مالی رو به رو است، ممکن است اعتقاد خود را به مذهب و فرهنگ و خیلی از مسائل دیگر از دست بدهد و دچار بیگانگی شود. بالا بودن توقع کشر تحصیل کرده، نظری بودن آموزش‌های دانشگاهی، کم‌توجهی به استفاده از ظرفیت شگرف واحدهای عملی به ویژه کارورزی در برنامه‌های درسی و اجرای نامناسب از آن در برخی از رشته‌های دانشگاهی موجود، کم‌توجهی به ارتقای کیفیت فعالیت‌های یادگیری و تکالیف تخصیص داده شده در فضای دانشگاهی، فاصله داشتن از رویکرد آموزش مبتنی بر شایستگی‌های اصیل، نبود زیرساخت‌های ارتباط‌بخش بین دانشگاه و مراکز شغلی، رشد قارچ‌گونه دانشگاه‌ها و ارتباط نداشتن رشته‌های دانشگاهی با نیاز بازار را می‌توان از علل بیکاری بعد از اتمام تحصیلات دانست (فولادیان، ۱۳۹۴؛ ادهمی، ۱۳۹۶) بیکاری بعد از فراغت از تحصیل را از عوامل بیگانگی عنوان کرده‌اند، اما نتایج پژوهش حاضر با پژوهش نوری (۱۳۹۱)، در رابطه با بیکاری بعد از فراغت از تحصیل همسو نبود و او نقشی برای بیکاری در زمینه بیگانگی شناسایی نکرده است. نابرابری اجتماعی به معنای برابر نبودن همه افراد

از لحاظ موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جدا کردن و دسته‌بندی افراد جامعه و نحوه برخورد متفاوت با آنها با توجه به موقعیت اجتماعی‌شان، از دیگر عواملی است که ممکن است باعث خشم و یا دلزدگی افراد از وضعیت حاکم و در نتیجه بیگانگی شود. میرزایی (۱۳۹۶) منطقه محل سکونت را از جمله عوامل تأثیرگذار عنوان کرده‌است. به بیانی دیگر جدا کردن افراد در مناطق مختلف، امکاناتی که با توجه به طبقه اجتماعی و منطقه زندگی در اختیار آنان قرار داده می‌شود و داشتن دید متفاوت و گاهی قضاوت کردن‌های بی‌پایه و اساس، ممکن است از عوامل شکل‌گیری بیگانگی فرهنگی باشد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱- نظر به اینکه نوع پذیرش در دانشگاه‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد، به‌همین منظور انجام پژوهش‌هایی مجزا در دانشگاه‌های دولتی و آزاد که به بررسی همه‌جانبه این پدیده بپردازد، پیشنهاد می‌شود.
- ۲- از یافته‌های این پژوهش عواملی استخراج شد که می‌توان هر کدام را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داد. برای مثال در مضمون اجتماعی و زیرمضمون تأثیرپذیری از اطرافیان، یا زیرمضمون الگوبرداری غلط در مضمون فردی، هر کدام از عوامل می‌تواند به صورت همه‌جانبه و وسیع مورد پژوهش قرار گیرد.
- ۳- با توجه به اینکه یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری پدیده از خودبیگانگی فرهنگی، بیکاری بعد از فراغت از تحصیل بود، می‌توان به بررسی این پدیده در دانش‌آموختگان پرداخت.
- ۴- در شهرهای کوچک‌تری که از تنوع فرهنگی و مذهبی بیشتری برخوردارند پژوهش‌های تکمیلی انجام شود تا زمینه مقایسه میزان بیگانگی فرهنگی در کلانشهرها و شهرهای کوچک با تنوع فرهنگ و مذهب، فراهم گردد.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- مسئولین دانشگاه‌ها قبل از ورود دانشجویان به فضای دانشگاه، با استفاده از پرسشنامه‌های معتبر و یا در صورت امکان مصاحبه، ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی و رفتاری دانشجویان جدیدالورود را مورد بررسی قرار دهند و در صورت لزوم، از امکانات و توانایی‌های آموزشی خود برای آموزش این دسته دانشجویان و مشاوره‌های لازم قبل

از ورود به فضای دانشگاه و در حین تحصیل با استفاده از مشاوران مجرب و در صورت امکان رایگان، فراهم کنند.

۲- به منظور تقویت و ماندگار کردن ابعاد تاریخی، فرهنگی و ادبیات کهن ایران، آموزش و ترویج انس با شاهنامه، حافظ، مولانا و ترویج شاهنامه‌خوانی، پرده‌خوانی، مثنوی‌خوانی و امثال آن در برنامه دانشگاه‌ها قرار بگیرد.

۳- استادان دانشگاه‌ها با تدریس دروس اعتقادی به صورت کاربردی و عمیق و ایجاد ارتباط صمیمی، دیدگاه دانشجویان را نسبت به دین تغییر دهند و پایبندی به اصول اسلام را در میان آنان قوی‌تر کنند.

۴- مسئولین دانشگاه‌ها، حرفه‌آموزی را در کنار تحصیل علم، جزء برنامه‌درسی دانشجویان قرار دهند و با کم‌رنگ کردن معضل بیکاری، از اثرات مخرب پدیده از خودبستگی فرهنگی نیز بکاهند.

۵- مسابقات ورزشی و نمایشگاه‌های مختلف از جمله نمایشگاه صنایع دستی توسط دانشجویان در فضای دانشگاه‌ها برگزار شود. این امر علاوه بر درآمدزایی، زمینه را برای آشنایی و ترویج هنر و فرهنگ ایرانی - اسلامی مهیا می‌کند.

۶- به جای تمرکز در برخورد با دانشجویان در فضای برخی از دانشگاه‌ها و یا در حضور دیگران، آموزش لزوم شناخت و رعایت قوانین در هر محیطی در دستور کار قرار گرفته و منشور و گداهای اخلاقی متناسب با فرهنگ، که دربرگیرنده تمامی نکات اخلاقی، رفتاری و پوششی برای تمامی کنشگران و فعالیت‌های موجود است، تدوین و پایش شده و در بخش‌های مختلف دانشگاهی در منظر عمومی به نمایش گذارده شود؛ برای رعایت آن تدابیر تشویقی و حمایتی در اولویت قرار داشته باشد.

۷- دانشگاه‌ها امکانات تفریحی، گردش، ورزشی و سفرهای دانشجویی بیشتری را به منظور تقلیل افکار و فشارهای منفی و افزایش حس شادی و نشاط برای دانشجویان در نظر بگیرند.

۸- دوره‌های آموزشی منظم در مراکز آموزشی مثل دانشگاه‌ها و مدارس و یا نهادهای دیگر مثل سرای محله‌ها که این امکان را دارند، به منظور آگاهی بخشی خانواده‌ها نسبت به تغییرات دوره جوانی و همچنین آسیب‌هایی که ممکن است در عصر فناوری

و ارتباطات، جوانان را در معرض خطر قرار دهد، برگزار شود. گاهی ممکن است خانواده‌ها نیز نسبت به فرهنگ خود بیگانه‌شده باشند و این دوره‌ها می‌تواند کمک شایانی به والدین و فرزندان آنها بکند.

۹- نهادهایی همچون صدا و سیما و دانشگاه‌ها با معرفی چهره واقعی غرب و شرق و نکات مثبت و منفی آنها با رعایت انصاف و معرفی اسلام واقعی به جوانان به دور از تعصب‌ها و همچنین معرفی شرایط زندگی مردم در کشورهای موفق جهان، اجازه تحریف این اطلاعات را به برخی افراد سودجو ندهند.

۱۰- شورای عالی انقلاب فرهنگی و نهادهای مربوطه، از لحاظ سواد اطلاعاتی، پایبندی به فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی و پایبندی به آرکان نظام جمهوری اسلامی، ضوابط منطقی و مناسبی را برای انتخاب متناسب معلمان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در نظر بگیرند و با حذف افراد تندرو و گندرو یا جلوگیری از اثرگذاری دیدگاه‌های افراطی و تفریطی از نظام آموزشی، زمینه را برای جلوگیری از دخالت نابجای غرب‌گرایان و اسلام‌گرایان افراطی در حوزه آموزشی، کاهش دهند.

۱۱- به منظور ایجاد ارتباط بین رشته‌های دانشگاهی با محیط کسب و کار، برنامه‌ریزان در رشته‌های دانشگاهی موظف شوند تا با استفاده از واحدهای عملی و به‌ویژه کارورزی در محیط‌های کاری، زمینه لازم برای آشنایی دانش‌آموختگان با محیط‌های کاری و کاهش تبعات ناشی از بروز بی‌کاری را فراهم آورند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابدالی، هاجر. (۱۳۹۰). بررسی میزان از خود بیگانگی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
۳. ابراهیمی لویه، عادل، علی، صحبتی ها، همایون، رضایی زاده. (۱۳۹۳). بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه، جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله‌ی شهرستان خدابنده). بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۵، شماره ۱، ۱-۱۷.
۴. احمدی، نسرين. (۱۳۹۵). بررسی میزان از خود بیگانگی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر یاسوج: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه یاسوج و علوم پزشکی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یاسوج.
۵. ادهمی، جمال. (۱۳۹۷). عوامل موثر بر بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۹، شماره ۱، ۵-۲۷.
۶. افراسیابی، حسین. جویباری، فهیمه. (۱۳۹۴). هویت دانشجویی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های یزد. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. دوره ۲۱، شماره ۴، ۱-۱۹.
۷. بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق کیفی و آمیخته (رویکردهای متداول در علوم رفتاری). تهران: نشر دیدار.
۸. بازرگان، عباس. (۱۳۸۴). ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تأکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات سمت.
۹. بنی فاطمه، حسین؛ و رسولی، زهره. (۱۳۹۰). بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، شماره ۱، ۱-۲۶.
۱۰. توفیقیان‌فر، علی حسن. حسینی، سید احمد. (۱۳۹۱). بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج). مطالعات جامعه‌شناختی جوانان دوره ۳، شماره ۸، ۴۵-۵۸.
۱۱. جانسون، لزی. (۱۹۷۹). منتقدان فرهنگ: از ماتئو آرنولد تا ریموند ویلیامز. ترجمه ضیا موحد: انتشارات طرح نو.
۱۲. جهانگیری، جهانگیر. فاطمه، ابوترابی زارچی. فاطمه، تنها. و حمیده، ابوترابی زارچی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان). زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۴، ۸۹-۱۰۶.
۱۳. جوادی، رقیه. (۱۳۹۱). اندیشه‌های فلسفی مارکس. پارسه. ۱۸ و ۱۹، ۵۳-۷۹.
۱۴. جولایی، سودابه. ندا، مهرداد. ناصر، بحرانی. (۱۳۸۵). بررسی نظرات دانشجویان پرستاری نسبت به حرفه پرستاری و دلایل ترک آن. پژوهش پرستاری. دوره ۱، شماره ۱، ۲۱-۲۸.

۱۵. حقیقتیان، منصور. مرادی، گل‌مراد. (۱۳۹۳). اثر از خودبیگانگی در ایجاد و شکل‌گیری رفتارهای اعتراضی جمعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه). **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۵۵-۱۷۹.
۱۶. خدایار، ابراهیم. فتحی، اعظم. (۱۳۸۷). هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش (مورد مطالعه: دوره متوسطه). **مطالعات ملی**، دوره ۹، شماره ۳، ۲۷-۵۲.
۱۷. خواجه‌نوری، بیژن. لیلا، پرنیان. صغری، همت. (۱۳۹۳). مطالعه ارتباط شاخص‌های جهانی شدن فرهنگی و از خودبیگانگی زنان. **جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۴، ۵۷-۹۲.
۱۸. روشن، امیر. (۱۳۸۶). علی شریعتی و الیناسیون فرهنگی. **پژوهش علوم سیاسی**، شماره ۱-۱، ۱۸-۱۹.
۱۹. زکی، محمدعلی. (۱۳۸۸). بیگانگی اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان). **پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه**، شماره ۳، ۲۵-۵۲.
۲۰. زکی‌خانی، محمد صادق. (۱۳۸۹). بیگانگی دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. **علوم سیاسی**، شماره ۱۰، ۹۱-۱۰۵.
۲۱. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۷). ناکامی آموزشی و از خودبیگانگی: پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. **اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی**، دوره ۳، شماره ۲، ۹۳-۱۱۵.
۲۲. سخاوی یزدی، محمدصادق. (۱۳۸۸). هویت فردی و از خودبیگانگی از منظر آیات و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه باقرالعلوم.
۲۳. سید محمد، وجیهه. (۱۳۸۶). مروری بر شکل‌گیری گروه‌های تخریبی با تکیه بر گروه شیطان پرستان. **مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره ۱۱ و ۱۲، ۹۱-۱۱۰.
۲۴. شریعتی، علی. (۱۳۶۱). **انسان بی‌خود (مجموعه آثار ۲۵)**. تهران: انتشارات قلم.
۲۵. صالحی، کیوان. عباس، بازرگان. ناهید، صادقی. محسن، شکوهی یکتا. (۱۳۹۴). بازنمایی ادراک و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. **مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی**، دوره ۵، شماره ۹، ۵۹-۹۹.
۲۶. صدافتی‌فرد، مجتبی. ابی‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۰). جستاری در رویکرد مولوی به از خودبیگانگی انسان با نگرشی به انسان معاصر. **ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی**، دوره ۷، شماره ۲۵، ۱۰۷-۱۴۲.
۲۷. فولادیان، احمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. **مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۲۵-۱۴۴.
۲۸. کلدی، علیرضا. صفی‌پور، جلال. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی از خودبیگانگی در میان دانشجویان، مطالعه‌ای در تهران. **پژوهش‌نامه علوم انسانی**، شماره ۳۵، صص ۱۰۴۹-۱۸۰.
۲۹. کوهی، کمال؛ و فریادی، طیبه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر دینداری و بیگانگی اجتماعی بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز. **پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران**، دوره ۷، شماره ۳، ۱-۱۶.

۳۰. گرانمایه پور، علی. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مصرف رسانهای و بیگانگی فرهنگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. *فرهنگ ارتباطات*. شماره ۱۳. ۱۷۹-۲۲۶.
۳۱. مجیدی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج در سال ۱۳۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز سنندج.
۳۲. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی و فرهنگی و بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۸. شماره ۴. ۱۱۹-۱۸۲.
۳۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۳). *سیری در نهج‌البلاغه*. تهران: صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
۳۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *سیری در نهج‌البلاغه*. تهران: صدرا.
۳۶. ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۷. میرزایی، خلیل. (۱۳۹۶). مطالعه بین مصرف رسانهای و بیگانگی فرهنگی - اجتماعی در میان جوانان تهرانی. *مطالعات جامعه‌شناختی*. دوره ۲۵. شماره ۲. ۶۵۳-۶۹۰.
۳۸. منوچهری، عباس. (۱۳۷۶). شریعتی و پرسش مدرنیته. نامه پژوهش. شماره ۷. ۳۵۷-۳۷۵.
۳۹. نوری، شهلا. (۱۳۹۱). *مطالعه جامعه‌شناختی ارتباط بین احساس خودارزشمندی و بیگانگی اجتماعی*. مورد مطالعه: دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۹۰-۱۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
۴۰. وثوقی، منصور. ساری، محسن. (۱۳۹۲). گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (تحقیقی در شهر تهران). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۵. شماره ۳. ۸۹-۱۰۶.
۴۱. هیکي، احمد. محمدرضا، نجف‌وند. احسان، آریادوست. (۱۳۹۴). *جهانی شدن و از خود بیگانگی فرهنگی در ایران (مطالعه موردی شهرستان اندیمشک)*. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی روانشناسی و علوم اجتماعی مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.
42. Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2011). *The Sage Handbook of Qualitative research*. London: Sage Publications.
43. Diccio-Bloom, B.; & Crabtree, B. F. (2006). Making Sense of Qualitative Research. *Medical Education*, 40, 314-321.
44. Easthope, H. (2009). Fixed Identities in a Mobile World? The Relationship Between Mobility, Place and Identity. *Global studies in culture and Power*, 16, 61-82.
45. Elmi, M. (2019). Social Alienation and Identity Status of University Youth in Iran. *Life Science Journal*, 9(2), 15-20.
46. Faisal, C. M., & Turnip, S. S. (2018). Support Group Intervention Reduce Social Alienation and Loneliness Among College Students With Victimization Experience. *Advanced in Social Science education and humanities research*, 229, 228-236.
47. Fromm, E. (1959). *The Sane Society*. New York: Rinehart.
48. Gabdrakhmanova, R. G.; E. A. Khodyreva.; & B. L. Tornyova. (2016). Problems of Students Identity Development in the Educational Environment of the University for Humanities. *International Journal of Environmental and science education*, 11(3), 95-105.

49. Guba, E. G.; & Lincoln, Y. S. (2005). *Paradigmatic Controversies, Contradictions and Emerging Confluences*. London: Sage Publications.
50. Heidarkhani, H.; M. Akhlaghipoor.; M. Amani.; A. Abdolmmahamadi.; & A. Firuzabadi. (2013). Surveing of the Factors that Influence the Social Alienation Among University Students Themselves With Emphasize on Religiosity (case study, Gilan-e- Gharb PNU). *Elixir Soc. Sci*, 62, 17440-17443.
51. Maxwell, J. (2005). *Qualitative Research Design: An Interactive Approach*. London: Sage Publications.
52. Merleau-Ponty, M. (1996). *Phenomenology of Perception*. Motilal Banarsidass Publish.
53. Neuman, L. (2007). *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*. Allyn Bacon.
54. Patton, M. Q. (1999). Enhancing the Quality and Credibility of Qualitative Analysis. *Health Service Research*, 34(5), 1189-1208.
55. Petrides, K. V.; T. Chamoro-Premuzic.; N. Frederickson.; & A. Furnham. (2005). Explaining Individual Differences in Scholastic Behavior and Achievement. *British Journal of Educational Psychology*, 75(2), 239-255.
56. Ritchie, J.; & Lewis, J. (2003). *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*. London: Sage Publications.
57. Salehi, K.; & Golafshani, N. (2010). Using Mixed methods in Research Studies: An Opportunity with its Challenges. *International Journal of multiple research approaches*, 4, 186-191.
58. Seeman, M. (1959). On the Meaning of Alienation. *American Sociological Review*, 24(6), 783-791. <https://doi.org/10.2307/2088565>
59. Teddlie, C.; & Tashakkori, A. (2009). *Foundations of Mixed Method Research: Integrating Quantitative and Qualitative Techniques in the Social and Behavioral Science*. London: Sage publications.